



سیر فرهنگ و هنر اسلامی در اروپا کاغذ؛ هدیه‌ای از جهان اسلام به اروپاییان

بخش یازدهم - فائزه ریاحی

در قرن ۱۲ میلادی زائران قبر یعقوب بزرگ‌تر (یعقوب پسر زیدی، از حواریون و از دوازده رسول برگزیده عیسی بود) واقع در سانتیاگو د کومپوستلا واقع در شمال غربی اسپانیا (مسیر کامینو د سانتیاگو نیز برای زیارت محلی که مدفن یعقوب بزرگ‌تر خوانده می‌شود، مشهور است) اولین ورقه کاغذ را دید و همراه خود به مرکز اروپا آوردند. در واقع مسیحیانی که کاغذ را به این افراد رساندند آن را از مسلمانان اندلس گرفته بودند. می‌گویند که: (در نزد مسلمانان خوشنویسان برای نوشتن کتاب‌های مقدس اسلامی پوست گران‌قیمت حیوانات (پرگامنت) مصرف می‌کنند اما برای نقشه‌نویشته‌هایشان فقط از این ورقه‌های ظریف استفاده می‌شود. حتی برای پیچیدن و بسته‌بندی کردن هم از اینها استفاده می‌کنند، این اندازه زیاد موجود است).

لازم تحریر که کاغذ هم جز آن است، از زمانی که رابطه تجاری بین اروپا و مسلمانان به هم خورد هم جزو اشیای کمیاب قرار گرفتند. در زمان مروینگ (۵۰۰ تا ۸۰۰ میلادی) حسیل‌بداران تجار ثبت‌کنندگان اسناد و رهبانان دیرها حداقل پاپیروس (مصری‌ها از پنج‌هزار سال قبل از ساقه گیاه پاپیروس استفاده می‌کردند آن را بر روی همدیگر ضریب مانند چسباندند و گفته و خشک کرده از آن طومارها و یا صفحاتی درستی می‌کردند برای نوشتن که به تمام جهان آن روز صادر می‌شد) برای نوشتن داشتند. آن زمان در شهر ماریسی به‌طور مرتب بارهای لوازم‌التحریر مصری وارد می‌شد ولی یکباره ورود آنها قطع گردید.

اگر کسی نمی‌خواست پوست بسیار گران حیوانات (پرگامنت) را برای نوشتن مصرف کند، یا اینکه نوشته‌ها را دوباره پاک کند، تا ورقه‌های قابل نوشتن دوباره باشند باید از پاپیروس موجودی که داشت کاملاً صرفه‌جویی کند.

پوست‌های نوشتنی (پرگامنت) از زمانی که نویسندگی در اروپا خودبه‌خود به سمت فراموشی رفت (فراموشیدن خوشنویسندگی که در اروپا خود یکی دیگر از مظاهر انحطاطی است که پس از غلبه فرانک‌ها بر رم شروع شد یعنی قرون وسطی) دیگر احتیاج نبود حتی همان پوست‌های نوشتنی به مقدار زیاد تهیه شوند.

اما از قرن ۱۲ به بعد یعنی از زمانی که زائرین مسیحی قبر یعقوب مرسل (واقع در اسپانیا)، تکه کاغذ ساخت کشورهای اسلامی را همراه خود به مرکز اروپا آوردند، اروپاییان یکباره متوجه شدند که در همه دفترهای تجاری مسلمانان نیز این کاغذ وجود داشته است.

درواقع با این چند ورق کاغذ است که دوباره کاغذ اندلسی ساخت کشورهای اسلامی به مرکز اروپا وارد می‌شود. مدت دوپست سال بود که اهالی شهرهای نورنبرگ، شهر رافنزبورگ، بازل و کنستانتس به شهر بارسلونا و والنسیا، جایی که در آن حوالی بهترین کاغذها در کارخانه‌های کاغذسازی اسلامی ساخته می‌شد، مسافرت می‌کردند که به گفته ادربیسی یک جغرافیدان جهاننیده، نظیر آن کاغذها در هیچ جای دنیا وجود ندارد.

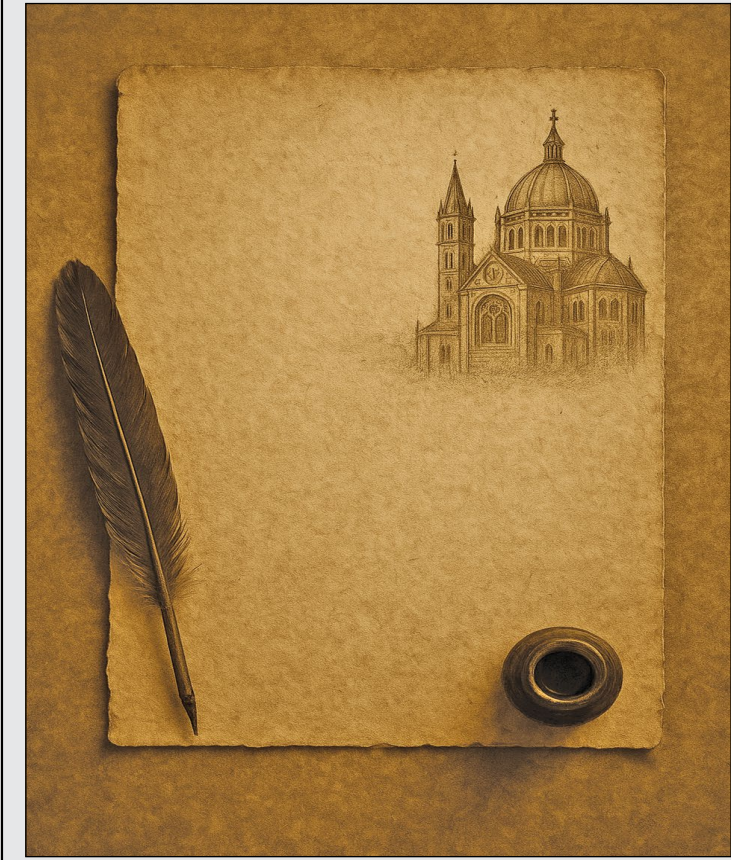
حتی عطاری به نام المن شترمر پسر یک خانواده تاجر معتبر نورنبرگی که با اسپانیا تجارت زعفران داشت به این فکر می‌افتد که اولین‌بار در شهر خود یعنی شهر نورنبرگ کاغذ بسازد. او در سال ۱۳۸۹ میلادی آسیاب چوب‌سایه برای تهیه مواد اولیه کاغذ در نزدیکی نورنبرگ دائر می‌کند که این اولین کاغذسازی آلمان می‌شود. این و شخص کاغذساز کارگران متخصص کاغذسازی‌اش را از ایتالیا آورد.

ایتالیا کشوری است که ۴۹ سال زودتر از آلمان و اسپانیای اسلامی حدود ششصد سال زودتر از ایتالیا و شهرهای آسیایی و آفریقایی اسلامی دهها سال قبل‌تر از اسپانیای اسلامی کاغذسازی داشتند و در سال ۱۳۲۰ میلادی اولین آسیاب کاغذسازی اروپایی مرکزی را دائر کردند.

البته در سال ۱۰۹۰ میلادی در جزیره سیسیل اولین سند به وسیله یک کشور مسیحی اروپایی بر روی کاغذ نوشته شده است. شهری که تازه نرمان‌ها از اعراب گرفته‌اند و هنوز تمام اهالی آن مسلمانند و جزو اروپا محسوب می‌شود.

سال ۱۱۱۵ میلادی هم در شهر پالرمو (ایتالیا)، در روم جزو طایفه نرمان‌ها از خانواده هاونفیل که بعداً به پادشاهی رسید، سندی از پدرش را که مربوط به سال ۱۰۹۰ میلادی بود تجدید و تأیید کرد، برای اینکه آن سند روی کاغذ نوشته شده بود و چون صاحب این سند- تا آن زمان با اسنادی سروکار داشت که بر روی پوست حیوانات نوشته شده بودند- از این سند کاغذ پنبه‌ای! که کاغذش ساخت قیروان (شهری در تونس) بود و چون حفاظت مناسب نکرده بودند، آن سند مچاله و ناخوانا شده بود.

رجر دوم در تمام دوران پادشاهی‌اش دربار بزرگ‌رسانی و تجدید اسنادی بود که به وسیله خانواده‌اش یا خودش در اوایل حکومتش بر روی کاغذ نوشته شده بود.



دلنوشته قبل از تولد

چه مکان کوچک و تاریکی! هر خوراکی که مادرم تناول می‌کند من هم از آن بی‌نیصیب نیستم. اول پروردگارم بعد خودم خواستم که به دنیا بیایم. نمی‌دانم که چگونه جایی است ولی در هر صورت به امتحانش می‌ارزد. تمام اعضای بدنم شکل گرفته و روح در من دمیده شده. زمانی که مادرم مغمکین است من هم ناراحتم ولی زمانی که او شاد است و لبخند می‌زند آن قدر آرامش دارم که نگو.

پدر و مادرم دواوسند دارند من سالم باشم. برای آنها فرقی نمی‌کند که دختر باشم یا پسر. کاری جز خوردن و خوابیدن ندارم. همین مکان کوچک و تاریک برای من امن‌ترین جای دنیاست. می‌دانم که به دنیایی دیگر گام خواهم نهاد و از آنجا به دنیایی دیگر رخت خواهم بست. ای کاش مادرم این همه استرس نداشت. چگونه او را دلاری بدهم؟ دلم به حالش می‌سوزد تمام انرژی او را گرفته‌ام؛ دیگر مثل قبل نمی‌تواند به کارهای خانه برسد. بعضی وقتها غنغنی را که با لذت تمام خورده بالا می‌آورد. وقتی به اول آدمم باید این اذیت‌ها را جبران کنم. ولی تازه شروع کار است باید شب بیداری بکشد و گریه‌های مرا تحمل کند. چون من یک نوزاد هستم و طبیعت من چنین است. اما می‌توانم وقتی کمی بزرگ‌تر شدم با حرف شنوی و اطاعت از پدر و مادر و احترام به آنها همه را جبران کنم. گریه نکن مادرم، همه را تلافی خواهم کرد. ماهها گشنه و این‌جا دیگر برایم تنگ شده. وقتی باها و با دستهایم را باز و بسته می‌کنم به او لگد می‌زنم و مادرم یعنی فرشته زندگی‌ام از خواب می‌برد. می‌بصرانه منتظرم چهره ماهت را ببینم ای رفیق و همسفر من.

فریبا آفتشین‌فر

تعل می‌کند؛ رویکردی که نتیجه‌ای جز انحراف از مسیر خودکفایی و بازگشت به وابستگی ندارد. در نتیجه، سه کارخانه اصلی کشور یعنی مازندران، پارس خوزستان و زاگرس لرستان که باید بار اصلی تأمین بازار را به دوش می‌کشیدند، را نیمه‌تعطیل شده‌اند یا تغییر کاربری داده‌اند. کارخانه‌هایی که با وام‌های کلان و وعده احیای صنعت راه افتاده بودند، حالا به تولید کار ظرف پیتزا و دستمال کاغذی روی آورده‌اند.

راز مسیر بازگشت روزهای طلایی چاپ و نشر چیست؟ میراث ارزشمند شهید رئیسی در خودکفایی کاغذ

صنعت کاغذ در وضعیت کما

همه داده‌ها نشان می‌دهد که صنعت کاغذ تحریر ایران در وضعیت کمای مدیریتی قرار دارد. حدود ۱۰ هزار تن تولید در برابر نیاز دوپست هزار تنی کشور، یعنی وابستگی مطلق. در چنین شرایطی، ناشران از گرانی گلابه دارند، مطبوعات از تیراژ پایین می‌نالند، و آموزش‌وپرورش هر سال دغدغه تأمین کاغذ برای چاپ کتاب‌های درسی را دارد. دولت فعلی که با شعار «وفاق و دولت کارشناس‌ها» روی کار آمد، در عمل نه تنها مسیر گذشته را ادامه نداده، بلکه با برخی غفلت‌ها و بی‌برنامگی دستاوردهای دولت پیشین را نیز به حاشیه رانده است. بی‌توجهی وزارت صمت به



بحران، سکوت وزارت ارشاد در قبال توقف تولید و فقدان برنامه شفاف برای تخصیص ارز، همه موجب شده‌اند که سه کارخانه بزرگ کشور به سمت محصولات غیرفرهنگی منحرف شوند.

بازگشت به مسیر عقلانیت و احیای دستاوردها

صنعت کاغذ ایران، آینه‌ای از سیاست‌گذاری کلان در حوزه فرهنگ و تولید است. هر زمان که عقلانیت و اراده کار بر تصمیمات حاکم بوده، شاخص تولید رشد کرده و امید به خودکفایی زنده شده است؛ و هر زمان که بی‌برنامگی و روزمرگی جای آن را گرفته، دوباره به واردات پناه برده‌ایم. گرانی از این بابت است که چرا مسئله‌ای که تا حد زیادی حل شده بود مجدداً به معضلی نگران‌کننده تبدیل شد.

اکنون که بحران کاغذ در مرحله‌ای حیاتی قرار دارد، چاره‌ای جز بازنگری در مسیر دولت شهید رئیسی نیست. آن دولت توانست در کمتر از سه سال صنعتی را که نفس‌های آخرش را می‌کشید، احیا کند، سهم واردات را کاهش دهد، و حتی با طرح ونزوئلا، چشم‌انداز منطقه‌ای برای صادرات ایجاد کند. ضروری است که دولت چهاردهم با شجاعت و انصاف به این واقعیت بازگردد؛ چرا که راه نجات صنعت کاغذ، نه در واردات بی‌رویه و نه در واگذاری‌های عجیب و بی‌ضابطه است، بلکه در احیای همان سیاست‌های جهادی، حمایت از تولید داخلی، و نظارت‌ها قاطع بر تخصیص ارز نهفته است. اگر امروز به داد کارخانه‌های مازندران، پارس و زاگرس نرسیم، فردا نه تنها صنعت چاپ و نشر، بلکه بخش مهمی از فرهنگ مکتوب کشور را از دست خواهیم داد. چرا که کاغذ، فقط کالایی صنعتی نیست؛ حامل حافظه فرهنگی ملت است.

بعد از مدرسه، قدم‌های کوچک اما معنادار

بعد از مدرسه، سالرا تصمیم گرفت به خانه پیرزنی که کنار مدرسه زندگی می‌کرد سری بزند و کمک کند. پیرزن با خوشحالی او را دید و گفت: «دختر... وقتی با محبت می‌آیی، روز من روشن می‌شود».

سارا خندید و دلش پر از حس خوب شد. فردا می‌فهمید که هر قدم کوچک می‌تواند دلی را روشن کند و خدا را خوشحال کند.

شب، سکوت و آرامش

شب که شد، آسمان پرستاره بود و نور ماه روی زمین می‌افتاد. سالرا روی تخت نشست، دفترچه‌اش را باز کرد و نوشت: «خدایا... امروز فهمیدم هر لحظه که برای تو وقت می‌گذارم، حتی وسط مدرسه، حتی وقتی کمک می‌کنم، یک قدم به تو نزدیکتر می‌شوم. تو نور در دل منی تابد و به آدم‌های دور و برم هم می‌رسد.» سپس سجده‌اش را پهن کرد و نماز شب کوتاهی خواند. دلش پسر از امید و آرامش بود. نفس‌هایش آرام شد و با خودش گفت: «فردا... دوباره یک روز تازه. یک قدم نزدیک‌تر...» و با این فکر، آرام به خواب رفت، با لبخندی که هم آسمان را روشن می‌کرد، هم قلب خودش را.

مانند کارت‌ن فست‌فود و دستمال کاغذی رفته‌اند. مسئولان وزارت فرهنگ و وزارت صمت هم ترجیح داده‌اند بجای پاسخگویی، سکوت خبری پیشه کنند. درحالی‌که هنوز خاطره تولید ۶۰ هزار تنی کاغذ مازندران در ذهن مردم و ناشران باقی است، امروز همان کارخانه به‌دلیل عدم تخصیص ارز برای مواد اولیه، در استانه ورشکستگی قرار گرفته است. امیرسامان اسفندیاری، دبیر سندیکای تولیدکنندگان کاغذ و مقوا، مردامه ۱۴۰۴

راز مسیر بازگشت روزهای طلایی چاپ و نشر چیست؟ میراث ارزشمند شهید رئیسی در خودکفایی کاغذ

اعلام کرد که «تولید کاغذ تحریر در کشور از نزدیک به صفر در سال ۱۳۹۹ به حدود ۵۵ تا ۶۰ هزار تن در سال ۱۴۰۲ رسید؛ اما در سال ۱۴۰۳ مجدداً سقوط کرد و به حدود ۳۳ هزار تن بازگشت». این در حالی است که نیاز واقعی کشور با احتساب جمیع نیازها بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار تن برآورد می‌شود. تولیدکنندگان داخلی توان تأمین ۷۰ درصد این نیاز را دارند، مشروط به اینکه دولت ۳۰ درصد باقی‌مانده را از مسیر واردات هدفمند پوشش دهد.

ابوالفضل روغنی گلیایگانی، رئیس سندیکای تولیدکنندگان کاغذ و مقوا، با تأیید وضعیت بحرانی فعلی، عملکرد دولت سیزدهم را «بهترین عملکرد



در حوزه کاغذ» در میان دولت‌های پس از انقلاب خوانند و این تفاوت رویکرد را با ذکر یک مثال تشریح کرد. روغنی با اشاره به کاهش ۴۰ درصدی تولید داخلی در سال جاری، اعلام کرد: «در دولت قبل، آقای مخبر (معاون اول رئیس‌جمهور) شخصاً وارد کار شده بود؛ من در شش ماه حداقل چهار جلسه با ایشان داشتم، اما امروز نه وزیر صمت و نه وزیر ارشاد حتی یک بار هم برای وضعیت کاغذ جلسه نگذاشت‌اند.» وی مهم‌ترین دلیل ناکامی شرکت‌های داخلی در تأمین کاغذ کتاب‌های درسی امسال و افزایش قیمت را عدم تخصیص به‌موقع ارز و نبود برق و تعطیلی مکرر کارخانه‌ها دانست و گفت: «وزارت صمت بی‌ضابطه، بی‌قانون و بدون چارچوب تخصیص ارز می‌کند». این مقام صنفی تأکید کرد، در حالی که پارانه و ارز ارزان قیمت برای کالاهای لوکس تخصیص می‌یابد، دولت در قبال مهم‌ترین نیاز دانش‌آموزان کشور

نماد تفکری بود که می‌خواست بحران کاغذ را با اتکا به توان داخلی و همکاری بین‌المللی همسو، به فرصت تبدیل کند و چنین نتواند از آن یک تجارت درآمدزا برای کشور ایجاد کند. یعنی نه تنها نیازی به نگرانی در داخل برای کمبود کاغذ نباشد بلکه صادرات گسترده‌ای نیز بتوان به سایر کشورها داشت.

بازگشت سکوت و انفعال در دولت چهاردهم

اما ورق که برگشت و دولت چهاردهم روی کار آمد، همه آن برنامه‌ها یا متوقف شدند یا در هاله‌ای از ابهام فرو رفتند. نه خبری از تداوم پروژه ونزوئلا شد، نه از حمایت واقعی کارخانه‌های داخلی. آنچه برجای مانده، انبارهای خالی از کاغذ تحریر در بنادر و کارخانه‌هایی است که به گفته کارشناسان، کمتر از ده هزار تن تولید دارند.

اکنون سه کارخانه‌ای که قرار بود موتور خودکفایی باشند، به سمت تولیدات غیراستراتژیک به گفته وی، در حالی که کل نیازکاغذ ما ۱۳۰ هزار تن بود.

ظهر که شد، سارا به همراه دوستانش، مشغول کمک به جمع‌آوری کتاب‌ها و بسته‌بندی مواد غذایی برای نیازمندان شد. او فهمید که نماز تنها لحظه‌ای برای خدا نیست، بلکه رفتار مهربانه و کمک به دیگران هم پل‌هایی به سوی خدا هستند.

اسماعیلی افزود: «برنامه مسا این بود که در پایان سال ششم، به بزرگ‌ترین صادرکننده کاغذ در منطقه تبدیل شویم. از سوی دیگر، کارخانه‌ای که در خوزستان دنبال می‌کردیم به تنهایی ظرفیت ۲۲۰ هزار تن داشت.»

وزیر فرهنگ همچنین به ظرفیت‌های همکاری خارجی اشاره کرد و گفت: «در سفر به ونزوئلا و در دیدار با وزیر فرهنگ این کشور، اعلام شد که ۶۰۰ هزار هکتار جنگل برای تولید کاغذ اختصاص

یافته است. کارخانه‌ای با فناوری آلمان و اتریش نیز وجود داشت که به دلیل تحریم‌ها امکان راهاندازی نداشت و ظرفیت آن ۳۰۰ هزار تن بود. تولید یک طرح مطالعاتی، در صورت سرمایه‌گذاری ۱۵۰ میلیون دلاری از سوی ایران، طرف مقابل حاضر نبود ۵۰ درصد مالکیت این کارخانه را واگذار کند. کارشناسان نیز تأکید داشتند که این سرمایه‌گذاری ظرف دو سال بازخواهد گشت.»

کامی فرا تر؛ رویای خودکفایی منطقه‌ای

اما تلاش دولت سیزدهم به داخل مرزها محدود نماند. دولت کار و تلاش شهید رئیسی به‌دنبال تثبیت تولید پایدار بود و برای همین، ایده احداث کارخانه مشترک تولید کاغذ در کشور ونزوئلا را در دستور کار قرار داد.

محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت، در آبان‌ماه همان اعلام کرد که ماشین‌آلات تولید به ونزوئلا منتقل شده و تیم فنی ایرانی برای راهاندازی کارخانه اعزام می‌شود. این پروژه با همکاری دولت ونزوئلا که ۴۰۰ هزار هکتار جنگل را به کارخانه اختصاص داده بود، قرار بود بخشی از نیاز داخلی ایران را نیز پوشش دهد. به‌بیان دیگر، سیاست دولت شهید رئیسی از «تخصیص یارانه» به «تولید پایدار و صادراتمحور» تغییر یافت. ایران نه‌تنها دانش فنی تولید کاغذ از ضایعات نشکر و منابع غیرچوبی را به ونزوئلا منتقل می‌کرد، بلکه هدف داشت تا بازار کاغذی منطقه را نیز از این مسیر در دست گیرد. این طرح،

خودکفایی کاغذ؛ وعده‌ای که محقق شد

محمدمهدی اسماعیلی؛ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت شهید رئیسی در گفت‌وگویی با خبرنگار حوزه ادب و فرهنگ کیهان با تشریح روند خودکفایی کشور در حوزه تولید کاغذ، از جهش چشمگیر ظرفیت کارخانه‌های داخلی و بی‌اثر شدن تحریم‌ها در دولت کار و تلاش خبر داد. وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی، با اشاره به وضعیت تولید کاغذ در ابتدای دولت



سیزدهم گفت: «در آغاز کار، میزان تولید کاغذ در کشور حدود ۴ هزار تن بود و به دلیل بی‌میلی تولیدکنندگان و نبود حمایت‌های لازم، انگیزه‌ای برای تولید وجود نداشت؛ در حالی که ظرفیت اسمی کارخانه کاغذ مازندران به ۹۰ هزار تن می‌رسید.»

وی با یادآوری سختن خود در نماز جمعه آبان ۱۴۰۰ افزود: «در همان زمان اعلام کردم که ظرف دو سال به خودکفایی در تولید کاغذ خواهیم رسید. خیلی‌ها این سخن را جدی نگرفتند؛ اما در هفته کتاب سال ۱۴۰۲ در اردیبهشت، توانستیم جشن خودکفایی کاغذ مورد نیاز کتاب‌های درسی را برگزار کنیم.»



یافت. رشد ۱۰ برابری در تولید و اشتغال بیش از ۱۲۰۰ نفر، معنایش روشن بود؛ خودکفایی در تأمین کاغذ کتاب‌های درسی و کاهش خروج سالانه ۵۰ میلیون دلار ارز از کشور.

در همان دوره، صنایع چوب و کاغذ مازندران به ارزش ۱۵ هزار میلیارد تومان رسید و موفق شد ۷۰ درصد نیاز آموزش‌وپرورش به کاغذ کتاب درسی را تأمین کند. سال بعد، این سهم به ۱۰۰ درصد افزایش یافت؛ به‌عبارتی، برای نخستین بار تمام کتاب‌های درسی دانش‌آموزان با کاغذ ایرانی تولید شد. از سوی دیگر، برنامه‌های وزارت ارشاد، وزارت صمت و بانک مرکزی در دولت سیزدهم به شکل هماهنگ برای ثبات‌بخشی به بازار کاغذ اجرا شد. توسعه خطوط تولید، افزایش کیفیت کاغذ ایرانی و توزیع هدفمند سهمیه‌های دولتی میان ناشران، مجموعه اقداماتی بود که بازار نشر را از شوک ارزی خارج کرد. حتی آمار رسمی نشان می‌دهد که در سال پایانی دولت شهید رئیسی، حدود ۳۳۰ ناشر از کاغذ ایرانی استفاده کردند. در نتیجه، بازار کاغذ از وابستگی کامل به واردات فاصله گرفت و مسیر خودکفایی واقعی آغاز شد. افزون بر این در دولت سیزدهم، کارخانه چوب و کاغذ مازندران توانست بهره‌وری خطوط تولید را بیش از ۲۵ درصد افزایش دهد. میانگین ضایعات تولید در بخش کاغذ تحریر از حدود ۱۲ درصد در سال ۱۳۹۹ به کمتر از ۴ درصد در سال ۱۴۰۲ کاهش یافت که نشان‌دهنده بهبود فرآیندهای تولید و بهینه‌سازی مصرف مواد اولیه است. همچنین، زمان توقف ماشین‌آلات برای تعمیر و نگهداری به نصف کاهش یافت و این امر باعث شده ظرفیت عملیاتی کارخانه با همان تعداد خطوط، حدود ۲۰ درصد بیشتر از قبل باشد.

صبح زود، دوباره صدای آذان از مسجد نزدیک خانه پیچید و فضای شهر را پر کرد. سارا هنوز روی تخت بود و چشمانش نیمه‌باز، اما قلبش پر از امید و شور بود.

شب قبل دفترچه‌اش را پر کرده بود، و حالا حس عجیبی در دلش بود؛ حس یک شروع تازه، حس نزدیک بودن به خدا. او آرام از تخت پایین آمد، کفش‌هایش را پوشید و به سمت سجاده رفت. دست‌هایش را بالا برد و دعا گفت. سکوت دعا کرد. نسیم صبحگاهی از پنجره وارد شد و روی صورتش نشست. سارا لبخند زد و گفت:

«- خدایا... امروز می‌خواهم هر قدمم با تو باشد.»

نماز کوتاه بود، اما انگار زمان برای او ایستاده بود. او تمام توجهش را به خدا داده بود و وقتی سلام آخر را داد، لبخند آرامی روی لب‌هایش نشست؛ لبخندی که انگار می‌توانست کل دنیا را روشن کند.

یک مسیر تازه

بعد از صبحانه، سارا راه مدرسه را در پیش گرفت. خیابان‌ها هنوز آرام بودند و پرندوها با پروازشان، سلامی به روز نو می‌دادند. هر قدم،